

تیرباران

یک نمونه موفق بود

	
<div>سینمای ترور رابطه تنگاتنگی با موضوعات سیاسی دارد. در جهان و نیز در ایران کمتر می‌توان فیلمی یافت که تـرور از دستمایه‌های اصلی آن باشد، اما با سیاست و</div>	
<div>مناظر معاونی</div>	
<div>منتقد</div>	

تقابل گروه‌های سیاسی با حکومت‌ها و مردان سیاست ارتباط نداشته‌باشد. قبل از انقلاب با توجه به حاکمیت بلامنازع فیلمفارسی بر سینمای ایران و بعدها ایجاد موج نو، نمونه شاخصی از فیلم ترور به ذهن من نمی‌رسد. حتی فیلم‌هایی‌که به طور مستقیم به سیاست پرداخته باشد، هم زیاد نبوده مگر آثار معدودی مانند فیلم‌های مسعود کیمیایی یا فیلم‌هایی چون «دام نامرئی» که سال ۱۳۵۷ توسط ساواک ساخته شده و داستان یک سپهد ارتش به نام احمد مقربی را روایت می‌کند.



بحران سال‌های اول انقلاب و درگیری‌های شدیدی که مخصوصا بین گروهک منافقین و نظام جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد، مهم‌ترین و پرتعدادترین فیلم‌های ترور در سینمای ایران را رقم زده‌اند. به‌خصوص از زمانی‌که این سازمان وارد مبارزات مسلحانه می‌شود و ترور شخصیت‌های نظام اتفاق می‌افتد، دستمایه‌ای در اختیار فیلمسازان ایرانی قرار می‌گیرد که از همان سال‌ها تا حالا که دهه ۹۰ را سپری می‌کنیم، بر اساس اقتضائاتی اثری در دسته سینمای ترور ساخته شود.

شاید بتوان از جمله فیلم‌های مرتبط با ترور، آثاری را پیدا کرد که به درگیری حکومت و گروهک منافقین ارتباط نداشته باشد اما به طور کلی تمرکز سینمای ترور ایران به‌ویژه در چهار دهه گذشته بر تقابیل منافقین با حکومت بوده‌است. اولین فیلمی که از این دسته به خاطر دارم، فیلم «پرچمدار» تولید نیمه دهه ۶۰ است که شهریار بحرانی آن را کارگردانی کرده؛ کارگردانی‌که از فیلمسازان جریان حوزه است و بیشتر از هر چیز با فیلم حمله به‌اج ۳ شناخته می‌شود. پرچمدار، حمله به یکی از فرماندهان سپاه را روایت می‌کند اما به ترتیبی دراماتیزه شده که مابه‌ازای واقعی شخصیت فرمانده را معرفی نمی‌کرد.

مهم‌ترین و شاخص‌ترین فیلم ترور سینمای بعد از انقلاب، اثری است به نام «تیرباران» به کارگردانی علی اصغر شادروان که مجید مجیدی در این فیلم نقش سیدعلی اندرزگو را ایفا کرده‌بود. این فیلم محصول سال ۱۳۶۵ است و به مبارزات هیات مؤتلفه اسلامی و سازمان فدائیان اسلام با رژیم پهلوی می‌پرداخت.

معتقدم این فیلم بیش از هر فیلم دیگری در سینمای ایران مبتنی بر مقوله ترور بود، چون داستان و سنگ بنای اصلی فیلم ترور ابوالحسن منصور، نخست‌وزیر ایران در سال ۱۳۴۲ و زندگی و مبارزات و شهادت سید علی‌اندرزگو است.

«تیرباران» اثری خوش‌ساخت و به لحاظ سینمایی ارزشمند است؛ ضمن این‌که هم مقطع مهمی از تاریخ ایران را نمایش می‌دهد و اثری قابل اعتنا در سینمای سیاسی و سینمای تاریخی محسوب می‌شود.

بعد از این نمونه‌ها نیز بیشترین آثار مرتبط با سینمای ترور تا هم‌اکنون مربوط است به فعالیت‌های مسلحانه منافقین در ایران که هم بهترین فیلم‌های سینمای ایران را شکل داده‌اند و هم پرتعدادترین آثار در مقوله سینمای ترور را.



خشم هواداران لئونارد کوهن از ترامپ

بخش یکی از آهنگ‌های معروف لئونارد کوهن در پایان سخنرانی ترامپ در گردهمایی ملی جمهوریخواهان با اعتراض طرفداران این خواننده کانادایی روبه‌رو شده است. استفاده از این آهنگ به مذاق بسیاری از هواداران این خواننده کانادایی نیز خوش نیامده و برخی کاربران فضای مجازی به صورت گنایه‌آمیز به نامناسب بودن این آهنگ با توجه به مضمون بدبینانه‌اش برای بخش در پایان سخنرانی‌های میهن پرستانه ترامپ اشاره کرده‌اند. / ایسنا




«شهر بازی» به تدوین رسید

تصویربرداری فیلم نیمه‌بلند داستانی «شهر بازی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدمسعود نورزاده که دوم شهریور در تهران آغاز شده بود به پایان رسید و فیلم وارد مرحله تدوین شد. این فیلم اثری در ژانر درام اجتماعی است که فاطمه شکری و سیدجواد زیتونی بازیگران اصلی آن هستند. به سرپرستی گرفتن و اهمیت دادن به تحصیلات کودکان بی‌سرپرست برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی از جمله مضمانی است که در این فیلم به آن پرداخته می‌شود. / مهر

سینمای ترور؛ رد خون

همه آنچه می‌خواستید درباره فیلم‌هایی مرتبط با ترور بدانید اما جرات نمی‌کردید پرسید!

<div>ترور به عنوان بالاترین حد حذف و نگاه سلبی، معمولاً اهداف و مقاصد سیاسی دارد، هرچند می‌تواند دلایل دیگری چون مذهبی و اقتصادی هم داشته باشد. اگرچه برخی ترور را محدود و منحصر به شخص خاص و مهین می‌دانند و گاه آن را به نزاعی شخصی تقلیل می‌دهند و آن را از تروریسم متمایز می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این دومقوله، ریشه‌های مشترک دارند و ترور هم می‌تواند ابعاد و اهداف تروریستی و گسترده‌ای داشته باشد، اگر که شخص ترورکننده یا ترورشونده رانه به عنوان شخص که به عنوان نماینده یک گروه یا جریان یا جماعت بدانیم. هرچند شمول و گستردگی تروریسم و هراس‌افکنی بسیار بیشتر از ترور است و تروریست‌ها با برنامه‌ریزی و سازمان یافته، از خشونت و وحشت‌آفرینی و ترورهای مختلف برای رسیدن به اهداف و مقاصد ایدئولوژیک، مذهبی و سیاسی استفاده می‌کنند. برخی اشارات ما در این گزارش، همانقدر که به ترور خاص و معینی اشاره می‌کند، اما درعین حال ارجعاتی به تروریسم هم دارد.</div>	<div><div>علی رستگار</div><div>سینما</div></div>
---	---

و خوداتکایی کشور و ترور سردار حاج قاسم سلیمانی در پی قدرت نظامی و دفاعی و نقش تعیین‌کننده ایران در منطقه نشان می‌دهد که ایران همچنان یکی از اهداف و قربانیان ترور در جهان است. همین چند وقت پیش آماری ارائه شد که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون بیش از ۱۷ هزار نفر ترور شده‌اند.

حالا کشوری با این میزان از قربانی که شاید بالاترین آمار در میان کشورهای جهان باشد، چه وظایفی برای پرداخت به این موضوع مهم و ثبت و ضبط آن دارد؟ منظور چیزی فراتر از انعکاس اخبار این جنایت بشری است که البته آن هم احتمالاً به قدر کفایت نبوده است. مقصود رسانه‌های تأثیرگذاری چون سینما و تلویزیون است که می‌تواند در قالب قصه‌های مختلف و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های دراماتیک و واقعیت‌های رخ داده، آثار جذاب و موفق و ماندگاری خلق کند که به جز وجه سرگرم‌کنندگی که باید ویژگی کارهای نمایشی باشد، هزاران ترور صورت گرفته را هم به شکلی هنرمندانه محکوم کند.

توجه و اعتنای سینمای ایران به این سوزهای ترور و رخدادهای تروریستی، تقریباً صفر یا به شدت ناچیز و کم مقدار است. در برخی فیلم‌های دیگر که تماماً رگ و ریشد داستانی دارند و پایشان در واقعیت نیست، هم خیلی به ترور نپرداخته‌ایم، یعنی درست آنجا که باید نسبت به شرایط و موقعیت کشور حساس باشیم و واکنشی هنرمندانه به ترور و وحشت‌آفرینی داشته باشیم.

لطافت به خرج داده‌ایم. انتظار می‌رود دست‌کم هنرمندان متعهد و دغدغه‌مند و البته کاربلد، حساسیت بیشتری روی مباحثی چون ترور و تروریسم داشته باشند و به چشم یک ضرورت فرهنگی به آن نگاه کنند و به سهم خود با ساخت فیلم‌هایی جذاب و هشدارگونه، قدم‌هایی برای مقابله هنرمندانه با این اعمال دهشتناک ضدبشری بردارند. برای کشوری که به جز قربانی ترور بودن، خود پرچمدار مبارزه با تروریسم محسوب می‌شود، وجود بازوهای فرهنگی و هنری مناسب در این زمینه یک قوت قلب است.

نکته مهم این‌که کشور ایران، به دلیل موقعیت ممتاز و استراتژیک و برخورداری از منابع و نعمت‌های مختلف، در طول تاریخ هم از نگاه استعماری و چنگ اندازی قدرت‌های خارجی شرق و غرب در امان نبود و هم به ویژه در دوره معاصر بستر حوادث سیاسی فراوانی بود که با وجود استقلال و وقوع انقلاب اسلامی ایران، همچنان با تهدیدات و دشمنی‌هایی روبه‌روست. به خصوص انقلاب سال ۵۷ و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، دشمنان را برای ضربه زدن بیشتر و براندازی حکومت جری‌تر کرد. ایجاد جنگ تحمیلی و نبرد جهانی و نابرابر برخی قدرت‌های دنیا با ایران، به دلیل بسیج همگانی و مقاومت جانانه مردم چندان جوابگوی بدخواهان نبود، بنابراین ترور و تروریسم در دستور کار قرار گرفت و از شخصیت‌های برجسته سیاسی و دینی و مذهبی کشور تا مردم مظلوم و بیگناه قربانی ترور شدند. به ویژه دهه ۶۰ که هنوز انقلاب نوپا بود و کشور هم تقریباً همه توش و توان خود را برای دفاع و نبرد در جبهه‌ها به کار گرفته بود و خرج می‌کرد. ترورهای سازماندهی‌شده‌ای صورت گرفت تا میان حکومت و درد دل مردم ترس و وحشت ایجاد و روحیه جامعه را تخریب کند تا شرایط برای از بین بردن جمهوری اسلامی فراهم شود. اگرچه به دلیل تقویت نیروی اطلاعاتی کشور و هوشمندی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی در همه این سال‌ها به ویژه بعد از سال‌های اولیه و ملتهب دهه ۶۰، امنیت کشور تا حدود زیادی تضمین شد و ترورها به ویژه در میان مقامات و مسوولان رده اول تا حد زیادی کاهش یافت و به صفر رسید، اما شکل و شیوه دشمنی‌ها تغییراتی کرد و کار به ترورهای اقتصادی و تحریم‌های سیاسی در سال‌های اخیر کشیده که کماکان پابرجاست و آن نبرد نابرابر گذشته با اشکال دیگری ادامه دارد. البته این به معنای برچیده شدن بساط ترور و تروریسم نیست و دشمنان به محض افزایش توانمندهای کشور در زمینه‌های مختلف، دوباره دست به ماشه و سلاح برای حذف و مقابله می‌برند؛ ترور نخبه‌ها و دانشمندان هسته‌ای در سال‌های اخیر در پی پیشرفت علمی

سینمای ایران

ماجرای نیمروز

محمدحسین مهدویان در دو فیلم ماجرای نیمروز و ماجرای نیمروز: رد خون به ترور و تروریسم می‌پردازد و ابعاد مخوف و هراس‌آفرین آن را به ملموس‌ترین شکل ممکن پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. محور فیلم اول، ترورهای دهه ملتهب ۶۰ است که طی آن مجاهدین خلق یا گروهک تروریستی منافقین، دست به شهادت برخی مقامات ارشد کشوری در ایران همچون آیت... بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی کشور و دبیر کل حزب جمهوری اسلامی و اعضای این حزب زدند. البته به جز این عملیات تروریستی، گروهک منافقین اعمال تروریستی دیگری هم برای وحشت‌آفرینی در کشور انجام دادند و اقدام به ترور مردم می‌گانه هم کردند. مهدویان تمرکز اصلی را روی تلاش‌های شبانه‌روزی سازمان اطلاعات سپاه برای مبارزه با منافقین می‌گذارد و ما بیشتر اثرات این ترورها و التهاب فضا را به طور غیرمستقیم و به واسطه واکنش‌ها و اقدامات ماموران می‌بینیم. البته گاهی اعمال تروریستی منافقین را هم مستقیم و بدون پنهانکاری مشاهده می‌کنیم؛ نمونه بارز آن سکناس ترور مردم در ماجرای نیمروز بود، همچنین آن صحنه اقدام جنایتکارانه منافقین در خیابان که منجر به زخمی شدن (شاید هم کشته‌شدن) دخترچه‌ای می‌شود و کمال (هادی حجازی‌فر) او را در آغوش می‌گیرد و درخواست آمبولانس می‌کند؛ این تصویر، موقع عملیات تروریستی اهواز هم با یکی از عکس‌های واقعی آن حادثه مقایسه شد و خیلی‌ها به اهمیت ماجرای نیمروز برای انعکاس قربانیان ترور – که ایران در همه این سال‌ها با آن درگیر بوده- صحه گذاشتند. ماجرای نیمروز: رد خون هم در ابعاد وسیع‌تری به تروریسم می‌پردازد و با تمرکز بر عملیات مرصاد و مقابله با گروهک تروریستی منافقین ساخته شد. البته به جز این، سکناس‌های مرتبط با ترور هم در فیلم وجود دارد؛ یکی نفوذ کمال و محمدحسین شادکام (امیرحسین هاشمی) به بغداد برای ترور عباس زرییاف (حسین مهری) فرمانده عملیات فروغ جاویدان (اسم عملیات از نگاه منافقین) که البته با ناکامی همراه است و دیگری هم ترور مسعود (مهدی زمین‌پرداز) از ماموران اطلاعات در خیابان بعد از اعتماد دوباره‌ای که به وحید نظری (امیراحمد قزوینی) دوست منافق به‌ظاهر توابش می‌کند.

یادبگارد

ابراهیم حاتم‌کیا در یادبگارد، همگام با تغییر زمانه حرکت می‌کند و بنا به ضرورت، جبهه نبرد را تغییر می‌دهد و سن‌گرها به جای مناطق مرزی در دل همین شهر و در داخل کشور برپا می‌شود. آن هم برای حفاظت از دانشمندان جوان هسته‌ای. ترور، نقش مهمی در پیشبرد قصه دارد و چالش‌های دراماتیک ایجاد می‌کند. فیلم‌که اساسا با ترور نافرجام دکتر صولتی (محمود عزیزی)، معاون رئیس جمهور شروع می‌شود که حاج حیدر ذبیحی (پرویز پرستویی)، مسئول تیم حفاظت او را زیر سوال می‌برد و سکناس‌های پایانی فیلم هم به ترور میثم زرین (بابک حمیدیان) دانشمند جوان هسته‌ای اختصاص دارد که این بار هم ناکام می‌ماند، منتهی بی حرف و حدیث و با جانفشانی حیدر. موقع ساخت و نمایش فیلم، اشاراتی به شباهت گریم پرویز پرستویی با چهره سردار قاسم سلیمانی مطرح بود و این‌که حاتم‌کیا به خاطر ارادتش به حاج قاسم، تعمداً این شباهت را ایجاد کرده است. حالا با توجه به شهادت سردار در پی عملیات تروریستی آمریکایی‌ها، پیوندهای تماتیک یادبگارد و شخصیت فرمانده برجسته ایرانی بیشتر هم شده است.

یک سال قبل از یادبگارد، بهروز افخمی هم فیلم دیگری درباره ترور دانشمندان هسته‌ای ساخت؛ فیلمی به نام روپاه با بازی حمید گودرزی و جلال فاطمی که به موفقیت دست پیدا نکرد.

سیانور

این فیلم یکی از مشخص‌ترین و نمونه‌ای‌ترین فیلم‌های ایران درباره ترور و جریان قتل و حذف سیاسی است. بهروز شعبی با فیلمنامه‌ای از مسعود احمدیان، سراغ یکی از مهم‌ترین روزه‌های فعالیت سازمان مجاهدین خلق می‌رود؛ یعنی اختلافات اساسی و کلیدی میان اعضای رده بالای سازمان همچون تقی شهرام و مرتضی صمدیه لباف و مجید شریف واقفی. وقتی لیلا زمردیان همسر شریف واقفی به مرکزیت سازمان خبر می‌دهد که مجید همچنان به اسلام پایبند است و می‌خواهد راهش را از افکار و اهداف دیگر جدا کند، نقشه ترور او را می‌کشند و وحید افراخته و سیدمحسن خاموشی این نقشه را عملی می‌کنند. سکناس ترور

ترورهای فیلم نشده

در تاریخ سیاسی ایران به‌خصوص در چهار دهه گذشته، متأسفانه اتفاقات تروریستی‌ای که قابلیت دراماتیزه‌شدن داشته‌باشند، کم نبوده‌است. برخی از رویدادها یا ترورهای شخصیت‌های سیاسی به فیلم تبدیل شده که در این صفحه مفصل به آنها پرداخته‌ایم. اما بد نیست نگاهی داشته باشیم به برخی رخدادها یا شخصیت‌های سیاسی که می‌توان از آنها فیلم‌های جذاب و گیرا در قالب سینمای ترور ارائه داد و به هر دلیل تا امروز هیچ فیلمسازی به سراغ‌شان نرفته یا به‌صورت اجمالی اشاره‌ای به آنها داشته یا اگر هم نیتی بوده هرگز به تولید یک اثر سینمایی منجر نشده‌است. ضمن این‌که مقوله ترور در سینما می‌تواند گاهی از منظر غیرتاریخی و در قالب یک درام معمایی یا حتی اثری روانکاوانه به تصویر کشیده شود و چه‌بسا همچون فیلم «شب‌که ماه کامل شد» به کارگردانی نرگس آبیاری بتواند در بستر یک درام عاشقانه و پرکشش ترور را روایت کند و از منظر پی تفوات و البته بسیار نزدیک تروریست را نمایش دهد.

شهید صیاد شیرازی: زندگی فرمانده سابق نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای عالی دفاع ملی و شهدادت او می‌تواند یک فیلم سینمایی قابل اعتنا باشد به‌خصوص از این بابت که صیاد شیرازی در بامداد ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به وسیله عوامل مسلح سازمان مجاهدین خلق در پوشش رفتگر، مقابل در خانه‌اش و در مقابل چشم‌های فرزندش ترور شد و مسؤولیت ترور او را زنی به نام زهره قائمی برعهده داشت.



شریف واقفی (بهروز شعبی) در فیلم زیباست و در یک روز بارانی اتفاق می‌افتد؛ او که تمایلی به استفاده از سلاح ندارد در رخدادی خارج از کادر و با شلیک دو گلوله کشته می‌شود و ما فقط افتادن عینکش در جوی آب را می‌بینیم. موسیقی بهزاد عبدی که نواپی شبیه سوت دارد، حس و حال این سکناس را تقویت می‌کند. نکته جالب این‌که در همان سال سیانور (۹۴)، فیلم دیگری با همان حال و هوا و با موضوع گروهک تروریستی منافقین ساخته می‌شود به اسم امکان مینا به کارگردانی کمال تبریزی. اما فیلم با وجود نامزدشدن در بیشتر رشته‌ها در سی و چهارمین جشنواره فیم فجر که با شکفتی برخی منتقدان همراه بود، فیلم موفقیتی نیست. به جز قصه فیلم که در ارتباط با ماهیت تروریستی منافقین است، نکته خاص قابل اشاره صحنه ترور و کشتن جاوید، سرکرده گروهک در فیلم به دست میناست و مهم‌تر آن که در پس زمینه از ضبط صوت، سخنرانی یکی از سران گروهک پخش می‌شود که راه حل مقابله با جمهوری اسلامی را ترور و بمباران می‌داند.

دستنوشته‌ها

هرچقدر نویسندگی و کارگردانی بهروز افخمی در روپاه بازخورد مثبتی نداشت، اما نویسندگی او در فیلم دستنوشته‌ها در سال۵۶ نتیجه بهتری داشت. این فیلم به کارگردانی مهرداد مینویی و با بازی جلیل فرجاد که به گروه و تشکیلات تروریستی می‌پردازد، قصه فردی به نام حسین معتمد را روایت می‌کند که از گروه جدا شده، اما سران تشکیلات دستور ترور معتمد را می‌دهند. در این فیلم، کلیشه حذف مهره‌های سوخته در چنین گروه‌هایی مطرح می‌شود که در واقعیت هم بسیار اتفاق می‌افتد.

از فریادتاترور



جذاب و دیدنی باشد ۱۳۷۷ به دست اغ



اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست



اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست

اسلامی نیز از آن در فیلمی نبوده و در سیدجلال اشکنذ خطوط فرعی داست